دو فصلنامه آسیب شناسی، مشاوره و غنی سازی خانواده

۱۳۹٤، ۱(۱)، ٥٩-٦٦
دریافت: ۱۳۹۳/۸/۲۰
پذیرش: ۱۳۹۳/۱۱/۲۸

Family Pathology, Counseling &Enrichment Journal

2014, 1 (1),59-66
Received: 11, Nov, 2014
Accepted: 17, Feb, 2015

نقش ابرازگری هیجانی و عوامل جمعیت شناختی در پیش بینی رضایت زناشویی زنان

The role emotional expressiveness and demographic factors in predicting marital satisfaction among women

حسین کشاورز افشار*
فاطمه عابدینی**
فهیمه قهوه چی الحسینی**
مسعود اسدی****
زهرا جهان بخشی*****

Hossein Keshavarz-Afshar
Fateme Abdini
Fahimeh Ghahvehchi
Masood Asadi
Zahra jahanbakhshi

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه ابرازگری هیجانی و عوامل جمعیت شناختی با رضایت زناشویی زنان متأهل انجام شد.

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش جمع‌آوری داده‌ها از نوع همبستگی است. جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر را کلیه‌ی زنان متأهل منطقه ۵ شهر تهران در سال ۱۳۹۲ تشکیل دادند. نمونه شامل ۲۸۲ زن متأهل بودند که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار پژوهش پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ ۴۷ سوالی و ابرازگری هیجانی خانواده هالبرستات و همکاران بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از همبستگی پیرسون و رگرسیون سلسله مراتبی استفاده شد

نتایج نشان داد که ابرازگری مثبت و تحصیلات با رضایت زناشویی زنان همبستگی مثبت و معنادار و بین ابراز گری منفی و سن همبستگی با رضایت زناشویی زنان همبستگی منفی و معنادار وجود دارد. نتایج رگرسیون سلسله مراتبی نشان داد که در گام اول ابرازگری هیجانی مثبت ۰/۰۹۴درصد از رضایت زناشویی را پیش با ورود متغیر سن در الگوی چهارم ۰/۰۱۷ درصد به توان پیش بینی اضافه می‌شود و با ورود متغیر مدت ازدواج در الگوی پنجم ۰/۰۱۱درصد به توان پیش بینی اضافه می‌شود. به طور کلی متغیرهای ابرازگری هیجانی مثبت ، ابرازگری هیجانی منفی، تحصیلات، سن و مدت ازدواج حدود ۱۹ درصد از رضایت زناشویی را پیش بینی می کنند.

از این اطلاعات می‌توان در راستای تدوین و اجرای برنامه‌های آموزشی و درمانی به منظور افزایش رضایت زناشویی زنان استفاده کرد.

کلیدواژه‌ها: ابرازگری هیجانی، عوامل جمعیت شناختی، رضایت زناشویی، زنان متأهل

Abstract

The present study examined the relationship between demographic factors, emotional expressiveness and marital satisfaction among married women.

Method: The study had application aims and was a correlation research. The statistical population was study of all married women in Tehran's 5th regions, in 1392. The sample included 282 married women who were selected availability. The instruments were Enrich marital satisfaction questionnaire and emotional expression family Halberstat Gray et al. for data analysis Pearson correlation and hierarchical regression were used.

Results showed that there is significant and positive relationship between emotional expressiveness and marital satisfaction with education, and significant and negative correlation between age and marital satisfaction with emotional expressiveness. Hierarchical regression results showed that in first step positive emotional expressiveness predicts 0/094 % of marital satisfaction and the entry of negative emotional expressiveness variables in second the power prediction added to 0/062 percent. Also entering the education variable in the third model could be increased to 0/09 %.. With the arrival of the age variables in the fourth model can be get 0/017 percent prediction. Entering marriage length variables in the fifth model the power prediction added to 0/011 percent. Generally positive emotional expressiveness, negative emotional expressiveness, education, age and length of marriage predicted about 19% of marital satisfaction

This information can be used in order to develop and implement educational and therapeutic programs to enhance women's marital satisfaction.

Keywords: Emotional Expressiveness, Demographic Factors, Marital Satisfaction, Married Women

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1394.1.1.5.4]

مقدمه

خانواده، یکی از نهادهای مهم اجتماعی است. هرچه از عمر خانواده های گسترده می گذرد و تبلور خانواده‌ی هسته‌ای در جامعه بیشتر می‌شود، اهمیت روابط بین اعضای خانواده به خصوص زن و شوهر به عنوان ارکان اصلی خانواده واضح تر می‌شو د. هرگاه افراد تعهد لازم به یکدیگ نداشته باشند، شناسایی و مدیریت احساسات خود و دیگران، یعنی توجه را از دست می دهند. ماحصل این فرایند کاهش استانه تحمل، افزایش پرخاشگری و تمام چیزهایی است که می‌تواند موجب تنش‌های زناشویی شود(شمسایی و همکاران، ۱۳۸۵). بنابراین رضایت زناشویی یکی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر عملکرد خانواده است. رضایت زناشویی[۲] عبارت است از احساسات عینی از خشنودی، رضایت و لذت تجربه شده توسط زن یا شوهر (احمد زاده، فرامرزی، شمسی و صمدی، ۱۳۹۱). برخی از صاحبنظران در تعریف رضایت زناشویی، آن را تابع مراحل چرخه ی زندگی می-دانند (بیرامی، فهیمی، اکبری، و امیری پیچا کلایی، ۱۳۹۱) و آن را فرایندی می‌دانند که در طول زندگی زوج‌ها به وجود می-آید؛ زیرا لازمه‌ی آن انطباق سلیقه‌ها، شناخت ویژگی‌های شخصیتی، ایجاد قواعد رفتاری و شکل‌گیری الگوهای مروادهای است. زوج‌هایی که از نوع و سطح روابطشان رضایت دارند، توافق زیادی با یکدیگر داشته و زمان و مسائل مالی‌شان را به خوبی برنامه ریزی می‌کنند(گریف[۳]، ۲۰۰۰، به نقل از تیموری آسفیچی، غلامعلی لواسانی و بخشایش، ۱۳۹۱).

از جمله عوامل موثر برمیزان رضایت زناشویی ابرازگری هیجان[۴] است. در ابتدا اصطلاح ابرازگری هیجان به طور گسترده ای به عنوان تفاوتهای فردی در حدی که افراد رفتار بیانگر (کلامی وغیر کلامی) خود را بررسی ونظارت کنند، تعریف شده بود. بیشتر مفهوم اخیر از ابرازگری هیجان بر تفاوت‌های فردی در حدی که افراد به طور ظاهری هیجاناتشان را ابراز می کنند، تاکید شده است (لاوی و بن آری[۵]،۲۰۰۴). بنابراین این اصطلاح به دو روش مختلف به کار گرفته شده است؛ اول از آن برای نشان دادن جنبه‌هایی از رفتار که افراد برای انتقال احساساتشان به دیگران استفاده می‌کنند. چنین جنبه هایی از رفتار بسیار انعطاف‌پذیر به راحتی تغییرپذیر،آگاهانه و عمدی به نظر می‌رسد. دومین کاربرد آن برای توصیف آن جنبه هایی از رفتار که غیر عمدی است که از آن افراد می‌توانند هیجانات دیگری را استنباط کنند (سیمون و ناد ،۲۰۰۲). سطوحی از ابرازگری هیجانی خانواده به عنوان الگوی اصلی نمایش ابراز کلامی و غیرکلامی از احساسات درون خانواده به عنوان یک کل تعریف شد که روابط زناشویی را تحت تاثیر خود قرار داده است. به طور خاص،رضایت زناشویی به طور مداوم مربوط به ابرازگری هیجانی در خانواده است (بوهلر[۶]، ۲۰۱۳). به طوری که رضایت زناشویی بالا با ابرازگری هیجانی مثبت بالا ارتباط دارد. علاوه براین ابرازگری هیجانی منفی بالا با تعارض زناشویی بالا(ونگ، مکلوین و هالبراستات[۷] ،۲۰۰۹) ورضایت زناشویی پایین مرتبط است(کولاک و ولینگ[۸]،۲۰۰۷، بوهلر ،۲۰۱۳). همچنین می توان به مطالعه شاه سیاه و همکاران(۱۳۹۰) به ارتباط بین عواطف مثبت و منفی بر کیفیت زناشویی اشاره کرد.

---

* استادیار مشاوره خانواده، مرکز تحقیقات علوم رفتاری، دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله، تهران، ایران.

** کارشناس ارشد مشاوره شغلی، آموزش و پرورش استان تهران.

*** کارشناس ارشد روانشناسی، مرکز تحقیقات علوم رفتاری، دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله، تهران، ایرانf.ghahvehchi@gmail.com

**** دانشجوی دکتری مشاوره خانواده، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، البرز

***** دانشجوی دکتری مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران

[2] -marital satisfaction

[3] - Greef

[4] - Emotional expressivness

[5] - Lavee& Ben-Ari

[6] - Buehler

[7] - Buehler

[8] - Kolak& Volling

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1394.1.1.5.4]

از فاکتورهای موثر دیگر که در ایجاد رضایت زناشویی نقش دارند می توان به روابط قبل از ازدواج، چگونگی ازدواج، الگوهای ارتباطی زوج‌ها، شخصیت زوج‌ها و نحوه حل مشکلات زناشویی اشاره کرد. از طرف دیگر رضایت زناشویی نیاز به تلاش مستمر زوج‌ها نیز دارد(پاتریک، سلز، جوردانو و تولرد[۱]، ۲۰۰۷، به نقل از از تیموری آسفیچی، غلامعلی لواسانی و بخشایش، ۱۳۹۱). همچنین مطالعات دیگر نیز نشان داده‌اند که کیفیت و رضایت رابطه زناشویی تحت تأثیر عواملی مانند جنسیت، میزان درآمد و تحصیلات، حضور فرزندان و طول مدت ازدواج قرار دارد و این متغیرها به عنوان تعیین کننده‌های مهم کیفیت زناشویی هستند و در مقابل متغیرهایی مانند سن ازدواج، شغل و پایگاه شغلی، نوع مذهب و تعداد فرزندان ارتباط کمی با کیفیت زناشویی دارند(اکیساو[۲]، ۱۹۹۶؛آلندرف و قیمیری[۳]، ۲۰۱۲).

با توجه به مرورپژوهش‌های انجام شده مشخص می‌گردد که زوج ها در جامعه امروزی برای برقراری و حفظ روابط صمیمی و درک احساسات از جانب همسرشان به مشکلات فرایگری و متعددی دچارند. بدیهی است که کمبودهای موجود در کفایت های عاطفی و هیجانی همسران اثرات نامطلوبی بر زندگی مشترک آن ها می گذارد(مهرابیان، ۲۰۰۰)، از این رو ابراز هیجانات می‌تواند رضایت زناشویی زنان را تحت تاثیر قرار دهد و در این میان متغیرهای جمعیت شناختی می تواند بطور متفاوتی بر ابراز گری هیجانی و در نتیجه رضایت زناشویی تاثیر بگذارد(یلسما و مارووو[۴]، ۲۰۰۳؛ کردوا، گی و وارین[۵]، ۲۰۰۵ ؛ هالبرستات، وینکیلمن، نیدنتهال و دالی[۶]، ۲۰۰۹). با توجه به تمهیدات یاد شده پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه ابرازگری هیجانی و عوامل جمعیت شناختی با رضایت زناشویی زنان متأهل انجام شد و به دنبال پاسخ به این سوالات بوده است : رابطه ابرازگری هیجانی، تحصیلات، سن و مدت ازدواج با رضایت زناشویی زنان چگونه است؟ هر یک از ابعاد رابطه ابرازگری هیجانی(ابرازگری مثبت و ابرازگری منفی) و عوامل جمعیت شناختی (تحصیلات، سن و مدت ازدواج) به چه میزان می‌توانند رضایت زناشویی زنان را پیش‌بینی کنند؟

روش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش جمع‌آوری داده‌ها از نوع همبستگی است. جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر را کلیه‌ی زنان متأهل منطقه ۵ شهر تهران در سال ۱۳۹۲ تشکیل دادند. نمونه شامل ۲۸۲ زن متأهل بودند که به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب و مورد آزمون قرار گرفتند. ملاک ورود به پژوهش گذشتن حداقل ۳ سال از مدت ازدواج بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از همبستگی پیرسون[۷] و رگرسیون سلسله مراتبی[۸] استفاده شد.

ابزار

۱-پرسشنامه ابراز گری هیجانی در بافت خانواده[۹]: برای سنجش ابرازگری زوج‌ها، از پرسشنامه ابرازگری هیجانی خانواده هالبرستات، استیفتر، پارک و فاکس[۱۰](۱۹۹۵) استفاده شد. این پرسشنامه دارای ۴۰ گویه است و ابراز گری هیجانی را در دو حالت ابراز گری هیجانی مثبت و ابرازگری هیجانی منفی مورد سنجش قرار می‌دهد. هالبرستات و همکاران(۱۹۹۵) این

[1] -Patrik, Sells, Giordano & Tollerud

[2] - Xiao

[3] -Allendorf & Ghimire

[4] - Yelsma & Marrow

[5] - Cordova, Gee, & Warren

[6] - Halberstadt, Winkielman, Niedenthal, & Dalle

[7] - Pearson correlation

[8] - hierarchical regression

[9] -self-expressiveness within the family context

[10] -Halberstadt, Stifter, Park & Fox

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1394.1.1.5.4]

پرسشنامه را بر روی ۸۶۱ زوج شامل ۴۴۹ زن و ۳۶۲ مرد هنجار نمودند و پایایی آن را برای خرده‌مقیاس‌های ابرازگری مثبت، ابراز گری منفی و همچنین برای کل پرسشنامه به ترتیب ۰/۹۴ و ۰/۹۲ و ۰/۹۳ گزارش کردند. روایی این پرسشنامه نیز توسط هالبرستات و همکاران(۱۹۹۵) مورد تأیید قرار گرفته است. در پژوهش حاضر ابتدا نسخه اصلی پرسشنامه توسط پژوهشگران پژوهش حاضر به فارسی ترجمه و سپس بر روی آزمودنی‌ها اجرا شد. در پژوهش حاضر با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ[1] پایایی برای کل پرسشنامه ۰/۸۸ محاسبه شد. روایی محتوایی پرسشنامه نیز توسط متخصصان مورد تأیید قرار گرفت.

۲- رضایت زناشویی انریچ[2]: این پرسشنامه توسط اولسون[3](۱۹۸۹) طراحی شده است و برای ارزیابی زمینه‌های بالقوه مشکل زا و شناسایی زمینه های قدرت و پربارسازی روابط زناشویی به کار می‌رود. این آزمون دارای دو فرم ۱۱۵ سوالی و ۱۲۵ سوالی است که از ۱۲ خرده آزمون تشکیل شده است. فرم اصلی با توجه به زیاد بودن سوالات پرسشنامه موجب خستگی آزمودنی‌ها می‌شد. سلیمانیان (۱۳۷۳) فرم کوتاهی از این پرسشنامه را تهیه کرد که ۴۷ سوال دارد. در فرم اصلی پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ پایایی پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۲گزارش شده است. سلیمانیان (۱۳۷۳) پایایی فرم کوتاه پرسشنامه را از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۵ گزارش کرد. در پژوهش حاضر پایایی این پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۴ محاسبه گردید. این پرسشنامه از روایی سازه و ملاک خوبی برخوردار است. ثنایی(۱۳۸۷)گزارش کرده است که ضریب همبستگی این پرسشنامه با دیگر مقیاس‌های رضایت زناشویی از ۰/۴۱ تا ۰/۶۰ است؛ این مقادیر نشان دهنده‌ی روایی سازه آن است. همچنین کلیه‌ی خرده‌مقیاس‌های این پرسشنامه، زوج‌های راضی و ناراضی را متمایز می‌کند و این ویژگی نشان‌دهنده روایی ملاک آن است(جلوخوانیان و خادمی، ۱۳۹۲). نمره بالا در این پرسشنامه نشان‌دهنده رضایت زناشویی و نمره پایین نشان‌دهده نارضایتی از رابطه زناشویی است. روش نمره گذاری از نوع لیکرت پنج درجه ای – از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف- است. به هر یک از گزینه‌ها از یک تا پنج امتیاز داده می‌شود(ساعتچی، کامکاری و عسگریان، ۱۳۹۰).

یافته‌ها

بررسی ویژگی‌های جمعیت شناختی آزمودنی‌ها نشان داد که میانگین سن، مدت و سن ازدواج آزمودنی‌ها به ترتیب ۳۸/۵۵، ۱۵/۸۶ و۲۱/۷۷ سال است. ۱۰/۳ درصد آزمودنی‌ها از نظر میزان تحصیلات زیر دیپلم، ۳۱/۹ درصد دیپلم، ۱۰/۶ درصد فوق دیپلم، ۴۷/۲ درصد لیسانس و بالاتر از لیسانس بودند.

جدول۱

ضرایب همبستگی بین نمرات ابرازگی هیجانی، تحصیلات، سن، مدت تأهل و رضایت زناشویی

متغیر	ابرازگری مثبت	ابرازگری منفی	تحصیلات	سن	مدت تاهل
رضایت زناشویی	۰/۳۰۸**	-۰/۲۳۰**	۰/۱۴۶*	-۰/۱۳۱*	-۰/۰۷۷

P<۰/۰۵ . **P<۰/۰۱

نتایج ضریب همبستگی در جدول۱ نشان می‌دهد که بین ابرازگری مثبت و تحصیلات با رضایت زناشویی زنان همبستگی مثبت و معنادار و بین ابرازگری منفی و سن همبستگی با رضایت زناشویی زنان همبستگی منفی و معنادار وجود دارد.

[1] - Cronbach's Alpha

[2] - Enriching and Nurturing Relationship Issues , Communicating and Happiness(Enrich)

[3] -Olson

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1394.1.1.5.4]

جدول ۲

خلاصه‌ی الگوی رگرسیون سلسله مراتبی برای پیش بینی رضایت زناشویی

الگو	R	R^2	خطای برآورد	تغییرات R^2	معنی‌داری
۱	۰/۳۰۷	۰/۰۹۴	۹۰/۳۷	۰/۰۹۴	۰/۰۰۰
۲	۰/۳۹۵	۰/۱۵۶	۹۰/۰۶	۰/۰۶۲	۰/۰۰۰
۳	۰/۴۰۶	۰/۱۶۵	۹۰/۰۳	۰/۰۰۹	۰/۰۹۷
۴	۰/۴۲۶	۰/۱۸۱	۸۰/۹۶	۰/۰۱۷	۰/۰۲۲
۵	۰/۴۳۸	۰/۱۹۲	۸۰/۹۲	۰/۰۱۱	۰/۰۶۶

جدول ۲ خلاصه‌ی الگوی رگرسیون سلسله مراتبی پیش بینی رضایت زناشویی را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود در الگوی اول ابرازگری هیجانی مثبت ۰/۰۹۴درصد از رضایت زناشویی را پیش بینی می‌کند و با ورود متغیر ابرازگری هیجانی منفی در الگوی دوم ۰/۰۶۲درصد به توان پیش بینی اضافه می‌شود. همچنین با ورود متغیر تحصیلات در الگوی سوم ۰/۰۰۹ درصد به توان پیش بینی اضافه می‌شود. با ورود متغیر سن در الگوی چهارم ۰/۰۱۷ درصد به توان پیش بینی اضافه می‌شود و با ورود متغیر مدت ازدواج در الگوی پنجم ۰/۰۱۱درصد به توان پیش بینی اضافه می‌شود. درمجموع هر ۵ متغیر تقریباً ۱۹ درصد از رضایت زناشویی را پیش بینی می‌کنند.

جدول۳

نتایج رگرسیون سلسله مراتبی برای پیش بینی رضایت زناشویی

الگو	متغیرهای واردشده	ضریب بتا	میزان t	سطح معنادار
۱	ابرازگری مثبت	۰/۳۰۷	۵/۲۵	۰/۰۰۱
۲	ابرازگری مثبت	۰/۳۱۴	۵/۵۶	۰/۰۰۱
	ابرازگری منفی	-۰/۲۴۹	-۴/۴۰	۰/۰۰۱
۳	ابرازگری مثبت	۰/۲۹۷	۵/۱۹	۰/۰۰۱
	ابرازگری منفی	-۰/۲۴۷	-۴/۳۹	۰/۰۰۱
	تحصیلات	۰/۰۹۵	۱/۶۶	۰/۰۹۷
۴	ابرازگری مثبت	۰/۲۹۶	۵/۲۱	۰/۰۰۱
	ابرازگری منفی	-۰/۲۴۸	-۴/۴۳	۰/۰۰۱
	تحصیلات	۰/۰۸۹	۱/۵۷	۰/۱۱۷
	سن	-۰/۱۲۹	-۲/۳۰	۰/۰۲۲
۵	ابرازگری مثبت	۰/۲۸۲	۴/۹۵	۰/۰۰۱
	ابرازگری منفی	-۰/۲۶	-۴/۶۴	۰/۰۰۱
	تحصیلات	۰/۱۳۳	۲/۱۷	۰/۰۳۱
	سن	-۰/۲۶۴	-۲/۸۷	۰/۰۰۴
	مدت ازدواج	۰/۱۷۷	۱/۸۴	۰/۰۶۶

جدول ۳ نتایج حاصل از رگرسیون سلسله مراتبی برای پیش بینی رضایت زناشویی را نشان می‌دهد که با ورود برخی از متغیرها تغییرات در میزان ضریب بتا و سطح معنادار مشاهده می‌شود. به عنوان مثال متغیر تحصیلات در مراحل ۳و۴ معنادار نیست اما با ورود متغیر مدت ازدواج متغیر تحصیلات نیز معنادار می شود.

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1394.1.1.5.4]

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه ابرازگری هیجانی و عوامل جمعیت شناختی با رضایت زناشویی زنان متأهل انجام شد. نتایج حاصل از بررسی سؤال اول پژوهش نشان داد که بین ابرازگری مثبت و تحصیلات با رضایت زناشویی زنان همبستگی مثبت و معنادار و بین ابراز گری منفی و سن همبستگی با رضایت زناشویی زنان همبستگی منفی و معنادار وجود دارد، اما بین مدت ازدواج و رضایت زناشویی زنان همبستگی معنادار وجود ندارد. این نتیجه بدان معناست که با افزایش ابرازگری مثبت و میزان تحصیلات رضایت زناشویی زنان افزایش می‌یابد و در سوی دیگر با ابرازگری هیجانی منفی و همچنین سن میزان رضایت زناشویی کاهش پیدا می‌کند. این در حالی است که طول مدت ازدواج در کاهش و یا افزایش رضایت زناشویی زنان نقشی ندارد.

نتایج حاصل از بررسی سؤال دوم پژوهش مشخص کرد که هر پنج متغیر پیش‌بین یعنی ابرازگری مثبت و منفی و تحصیلات، سن و مدت ازدواج در پیش بینی رضایت زناشویی زتان سهم داشتند ودر معادله رگرسیونی با ورود هر متغیر به معادله میزانی به سهم تبیین رضایت زناشویی اضافه گردید به طوری که در الگوی اول ابرازگری هیجانی مثبت ۰۹۴/، ابرازگری هیجانی منفی در الگوی دوم ۰/۰۶۲درصد ،تحصیلات در الگوی سوم ۰/۰۰۹ درصد، سن در الگوی چهارم ۰/۰۱۷ درصد و مدت ازدواج در الگوی پنجم ۰/۰۱۱درصد به توان پیش بینی اضافه می‌شود. درمجموع هر ۵ متغیر تقریباً ۱۹ درصد از رضایت زناشویی را پیش بینی کردند. با مشاهده میزان تبیین هر یک از متغیر ها نشان می‌دهد که در بین متغیرهای پیش بین سهم ابرازگری هیجانی در پیش بینی رضایت زناشویی بیشتر از متغیرهای جمعیت شناختی است.

بررسی پژوهش‌های پیشین حاکی از آن است که نتایج پژوهش حاضر با نتایج مطالعات کولاک و ولینگ(۲۰۰۷)؛ ونگ، مکلوین و هالبراستات(۲۰۰۹)و بوهلر (۲۰۱۳) در زمینه وجود رابطه معنادار و همچنین توان پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس ابراز گری هیجانی، همخوان است. همچنین نتایج پژوهش حاضر در زمینه رابط معنادار بین رضایت زناشویی و عوامل جمعیت شناختی(تحصیلات، سن و مدت ازدواج) با مطالعات اکیساو(۱۹۹۶) و آلندرف و قیمیری(۲۰۱۲) همخوان است. در تبیین احتمالی وجود رابطه معنادار بین ابراز گری هیجانی و رضایت زناشویی و توان پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس ابراز گری هیجانی می‌توان گفت ازدواج منبع بعضی از عمیق‌ترین احساسات و هیجانات ماست، مثل عشق، نفرت، عصبانیت، ترس، ناراحتی و لذت، و این که چقدر زن و شوهر بتوانند این هیجانات قوی را بفهمند، درباره شان گفتگو و آن‌ها را مدیریت کنند نقش قاطعی در رضایت زناشویی آن‌ها بازی می‌کنددر حقیقت ابراز عواطف نقش عمده ای بر شادی‌ها و تداوم زندگی زناشویی داشته و زوج‌های خوشبخت به طور مداوم واکنش‌هایی چون عشق و محبت را نسبت به هم ابراز کرده و در تعامل‌هایشان با یکدیگر از شوخی‌های مناسب استفاده می‌کنند. افرادی که از ابرازگری هیجانی بالایی برخوردارند، به احتمال زیاد می‌توانند به گونه‌ای موثر با صحبت‌های دقیق و ظریف عاطفی، مشکلات و اختلافات را حل کنند و با استفاده از جملاتی چون «معذرت می‌خواهم» و «متاسفم» و دانستن اینکه به چه مقدار معذرت خواهی نیاز است یا چه مقدار متاسفم کارگشاست، اوضاع را سر و سامان می‌دهند، احساس همدلی بیشتری به هم نشان می‌دهند و نسبت به احساسات یکدیگر حساسیت بیشتری به خرج می‌دهند.این کار باعث افزایش رضایت زناشویی در آنان می‌گردد.

در تبیین رابطه معنادار بین ابرازگری هیجانی و رضایت زناشویی و توان پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس عوامل جمعیت شناختی(تحصیلات، سن و مدت ازدواج)، می‌توان گفت که افزایش تحصیلات باعث خود شناسی بیشتر در زنان میگردد و باعث بالا رفتن هوش هیجانی در آنان می‌گردد و بدین طریق می‌توانند از توانایی خوآگاهی هیجانی بر خوردار باشند. همچنین بالارفتن سن مدت ازدواج باعث می‌شود که زنان تجربه بیشتری در زمینه مدیریت هیجانات کسب کنند و توانایی همدلی ،حساسیت نسبت به نیازهای خود و طرف مقابل‌شان بیشتر شود و همین امر بر رضایت زناشویی آن‌ها اثر بگذارد.این یافته‌ها همسو با مطالعات بخشایش و مرتضوی(۱۳۸۸)، حسینی و فتحی(۱۳۸۹) می‌باشد.

پژوهش حاضر تنها به بررسی رابطه ابرازگری هیجانی و عوامل جمعیت شناختی با رضایت زناشویی در بین زنان متأهل پرداخته است. بنابراین نتایج فقط در جهت شناسایی نقش این عوامل بر رضایت زناشویی زنان متأهل حائز اهمیت

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1394.1.1.5.4]

هستند. لذا پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی هر دو عضو زوج در پژوهش مشارکت داده شوند. انجام پژوهش‌های جامع تر در نمو نه‌های گسترده‌تر در سایر جمعیت‌ها، نیزپیشنهاد می‌گردد.

به طور کلی نتایج پژوهش حاضر حاکی از نقش مؤثر ابرازگری هیجانی در رضایت زناشویی است. همان‌طور که نتایج مشخص کرد افزایش ابرازگری هیجانی مثبت و کاهش ابرازگری هیجانی منفی می‌تواند رضایت زناشویی را افزایش دهد، لذا با توجه به این نتیجه پیشنهاد می‌گردد در متخصصان و مشاوراه حوزه خانواده، در برنامه‌های آموزشی و همچنین مداخلات مبتنی بر خانواده که با رضایت زناشویی مرتبط است، به کیفیت ابرازگری هیجانی توجه شود و آموزش‌های لازم در جهت افزایش و تقویت ابرازگری هیجانی مثبت به زوج‌ها و خانواده‌ها ارائه شود و همچنین مهارت‌های لازم به منظورکاهش ابرازگری هیجانی منفی به زوج‌ها و خانواده‌ها آموزش داده شود. پژوهش‌های مبتنی بر فرهنگ کشور ایران در زمینه ابرازگری هیجانی در بین زوج‌ها و خانواده‌ها اندک است، لذا پیشنهاد می‌شود، پژوهشگران حوزه خانواده ضمن پرداختن به این مقوله، ابرازگری هیجانی را با سایر متغیره‌های مربوط به خانواده و زوج مانند سازگاری، تعارض، خرسندی و صمیمیت در بین اعضای خانواده و همچنین در بین زوج‌ها، مورد پژوهش قرار دهند و عوامل جمعیت شماختی بیشتری را نیز لحاظ نمایند.

منابع

احمدزاده ،مریم؛ فرامرزی، سالار؛ شمسی، عبدالحسین و صمدی، مریم .(۱۳۹۱). فراتحلیل بررسی رابطه سبک های دلبستگی با رضایت زناشویی. *اندیشه و رفتار*، ۷(۲۵)، ۴۶-۳۷.

بخشایش، علیرضا؛ مرتضوی، مهناز.(۱۳۸۸). رابطه رضایت جنسی، سلامت عمومی و رضایت زناشویی زوجین فصلنامه روان شناسی کاربردی.۳(۴(۱۲)): ۷۳-۸۵.

بیرامی، منصور؛ فهیمی، صمد؛ اکبری، ابراهیم و امیری پیچاکلایی، احمد. (۱۳۹۱). پیش بینی رضایت زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی و مؤلفه‌های تمایز یافتگی. *اصول بهداشت روانی*، ۱۴(۱)، ۷۷-۶۴.

تیموری آسفیچی، علی؛ غلامعلی لواسانی، مسعود و بخشایش، علیرضا.(۱۳۹۱). پییش بینی رضایت زناشویی بر اساس سبک-های دلبستگی و خود متمایز سازی. *خانواده پژوهی*، ۸(۳۲)، ۴۶۳-۴۴۱.

ثنایی، باقر.(۱۳۸۷). مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج. تهران: انتشارات بعثت.

حسینی، سیدمجتبی؛ فتحی آشتیانی، علی.(۱۳۸۹). بررسی رابطه بین رضایتمندی زناشویی و مدت زمان ازدواج در میان دانش پژوهان مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره). روان شناسی و دین.۳(۴):۱۲۷-۱۴۵.

جلو خوانیان، مریم و خادمی، علی .(۱۳۹۲). بررسی تأثیر آموزش تحریف‌های شناختی بر میزان رضایت زناشویی در زنان مراجعه کننده به مراکز مشاوره بهزیستی شهر اصفهان. *فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی*، ۸(۲۹)، ۱۱۵-۹۳.

ساعتچی، محمود؛ کامکاری، کامبیز و عسگریان، مهناز .(۱۳۹۰). آزمون‌های روان شناختی. تهران: نشر ویرایش.

سلیمانیان ، علی اکبر(۱۳۷۳) . بررسی تفکرات غیر منطقی بر اساس رویکرد شناختی بر نارضایتی زناشویی. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره . دانشگاه خوارزمی.

شاه سیاه مرضیه، بهرامی فاطمه، محبی سیامک، تبرایی یاسر. (۱۳۹۰). همبستگی بین بهزیستی ذهنی با کیفیت زندگی زناشویی زوجین. مجله دانشگاه علوم پزشکی قم.۵(۴):۶۱-۶۷.

شمسایی، محمد مهدی؛ نیکخواه، حمیدرضا؛ جدیدی، محسن.(۱۳۸۵). نقش احساس هویت و هوش هیجانی در رضایت زناشویی . فصلنامه اندیشه و رفتار.۱(۲):۵۷-۶۷.

Allendorf, K., & Ghimire, D. J. (2013). Determinants of marital quality in an arranged marriage society. *Social science research, 42*(1), 59-70.

Buehler , C. (2013). Marital Satisfaction, Family Emotional Expressiveness, Home Learning Environments,and Children's Emergent Literacy. *J Marriage Fam, 75*, 42-55.

Cordova, J. V., Gee, C. B., & Warren, L. Z. (2005). Emotional skillfulness in marriage: Intimacy as a mediator of the relationship between emotional skillfulness and marital satisfaction. *Journal of Social and Clinical Psychology, 24*(2), 218-235.

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1394.1.1.5.4]

Halberstadt, A. G., Cassidy, J., Stifter, C. A., Parke, R. D., & Fox, N. A. (1995). Self-expressiveness within the family context: Psychometric support for a new measure. *Psychological Assessment, 7*(1), 93.

Halberstadt, J., Winkielman, P., Niedenthal, P. M., & Dalle, N. (2009). Emotional conception how embodied emotion concepts guide perception and facial action. *Psychological Science, 20*(10), 1254-1261.

Jelokhavanian, M., & Khadem, A. (2013). training cognitive distortions on marital satisfaction in women attending welfare centers in Isfahan. *New J Cogn Psychol, 8*(29), 93-115. [Persian]

Kolak, A. M., & Volling, B. L. (2007). Parental Expressiveness as a Moderator of Coparenting and Marital Relationship Quality*. *Family Relations, 56*(5), 467-478.

Lavee, Y., & Ben-Ari, A. (2004). Emotional expressiveness and neuroticism: Do they predict marital quality? *Journal of Family Psychology, 18*(4), 620.

Mehrabian, A. (2000).Beyond IQ:Broad based measurement of individual success potential or emotional intelligence. Genet, Social & General Psychology Monographs, 126(2), 102-133

Simon, R. W., & Nath, L. E. (2004). Gender and Emotion in the United States: Do Men and Women Differ in Self-Reports of Feelings and Expressive Behavior? 1. *American journal of sociology, 109*(5), 1137-1176.

Xiao, J. J. (1996). Effects of family income and life cycle stages on financial asset ownership. *Financial Counseling and Planning, 7*(1), 21-30.

Yelsma, P., & Marrow, S. (2003). An examination of couples' difficulties with emotional expressiveness and their marital satisfaction. *The Journal of Family Communication, 3*(1), 41-62.

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1394.1.1.5.4]